



خبرنامه

جریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

شماره: ۳۴ تاریخ: ۱۳۵۹/۶/۲۴

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنها را ارتقاء داد!

پیشروی سوسیالیستی ما زمان‌دهی مستقیم توده‌ها!

چگونه مورد تمسخر مردم قرار میگیرند، ولی اینان که همگی نیز " مدعی ارتباط با توده ها " هستند و سابقه درخشان مبارزات چریکهای فدائی خلق و مبارزه مسلحانه را با این ادعا که " جدا از توده ها " بود رد میکنند، بدلیل موضع طبقاتی خود وعدم شهادت برای یک مبارزه طبقاتی جدی، چشم و گوش خود را بر سر واقعیات بسته و این تحول عظیم را در میان خلق مانده دیده میگیرند و بالنتیجه از جذب توده و ارتباط با آن عاجزند. تمامی ارتباطات توده ای جریان منقطع " کار " نیز مربوط به گذشته است که مردم مافسکر میکردند که این جریان، همان سازمان چریکهای فدائی خلق، با همان منشی و با همان منش و با همان تفکر قاطع در مبارزه بر علیه فدخلق است.

اکنون در برابر نیروی عظیم توده ای که از حاکمیت جداگشته و آزاد میشود چه باید کرد و وظیفه ما چیست؟ قطعاً " یک سازمان انقلابی باید کوشش نماید تا مسئله ارتباط با توده ها را حل کند. ما باید بکوشیم تا با خلق خود ارتباط برقرار کرده، آنها را آگاه نموده و بسیج و متشکل نمائیم. اگر در این مهم موفق نشویم مطمئناً " بخش عظیمی از توده مردم که بدون هرگونه ره نمود و هرگونه ارتباط در صحنه سیاست باقی مانده اند پس از مدتی موضعی پاسیو در قبال تمامی رویدادها اتخاذ خواهند کرد (و این بزرگترین خطری است که اکنون جنبش ما را تهدید میکند) و بخشی از آنان نیز جذب جریانات منقطی میشوند که هدفی جز آلت دست قرار دادن

ما باید پیاد داشته باشیم که این وظیفه
روشنفکران انقلابی است که بمیان توده ها
بروند و نه بالعکس

توده ها برای رسیدن به اهداف فدخلقی خود ندارند.

ما باید داشته باشیم که این وظیفه روشنفکران انقلابی است که بمیان توده ها بروند و نه بالعکس و انجام این مهم نیاز به کار پیگیر و خلاقیت در اتخاذ روشهای مناسب دارد. اگر ما هدف خود را تشکیل هسته های مسلح خلق و در نهایت تشکیل ارتش خلق قرار داده ایم، این شکل از سازماندهی عالیترین شکل سازماندهی خلق است و برای رسیدن به عالیترین شکل می باید کار را از اشکال ساده تر آغاز نمسود. اگر گمان کنیم که می توان بدون گذراندن مراحل ساده، ارتباط با توده ها و اشکال ساده تر شکل توده ای ناگهان به این مرحله جهید این تفکر با بدلیل عدم شناخت کافی از مراحل مبارزاتی و با بدلیل دید عجولانه خرده بورژوازی است که مبارزه را بسیار ساده و سراسر است و کوتاه مدت می بیند. برای تحقق شعار: پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها و " پیش بسوی هسته های مسلح کارگری " واقعاً باید پیش رفت. برای تحقق این دو شعار که عالیترین شکل سازماندهی توده ها را برای تحقق اهداف استراتژیک بیان میکند، باید اشکال ساده تر ارتباط و اشکال ساده تر سازماندهی متحقق شود. اگر ما به اشکال متنوع ارتباط با توده بهای لازم رانده ایم و تنها ارتباطی را قابل توجه بدانیم که فی الفور به سازماندهی مسلح توده ها منجر شود، قطعاً هیچ گامی در این راه (سازماندهی مسلح توده ها و تشکیل هسته های مسلح کارگری) نبرنداشته ایم. چگونه میتوان فی المثل از کارگرانی که هنوز جریان ما و با حداقل رفقای را که در محدوده عمل آنها فعالیت میکنند، نمی شناسند و بالنتیجه شناختی نسبت به جریان و با این رفقا ندارند - گرچه مخالفتی نیز با آنان ندارند - خواست که مسلح شده و تحت ره نموده های ما بحرکت در آیند، مبارزه بسیار پیچیده است و مراحل مختلفی را میگذرانند. بدون گذراندن مراحل، با گذاردن به مرحله بعدی مبارزه امری ناممکن خواهد بود. حتی هنگامیکه در ارتباطات ما با توده ها ناگهان جهشی کیفی بوجود می آید، چنین تغییر اساسی نمی تواند بدون گذراندن مراحل کمی بدست آید مگر آنکه قانون تغییرات کمی به کیفی را نپذیریم و معتقد باشیم که در موقع مقتضی " ریگهای بیابان " و یا " سنگی " مسئله ما را حل خواهد کرد.

درک صحیح از مراحل مبارزه و درک تفاوت های نظر ما با اپورتونیستها در این زمینه اهمیت بسیار دارد. چگونگی ارتباط گیری با توده ها خصوصاً " در شرایط کنونی که در نتیجه جنبش خلق امکانات وسیعی برای ارتباط با توده در مقابل روشنفکران انقلابی قرار گرفته و اتخاذ تاکتیکهای متنوعی برای ایجاد ارتباط امکان پذیر و موثر است، حل مسئله ارتباط با توده ها را فی المثل در مقایسه با دوره حکومت محمد رضا شاه بسیار آسان تر نموده است. باید بسا توده ها ارتباط برقرار کرد، به آنها آگاهی داد و بسیج و متشکلشان نمود تا آنها آگاهان - کان تحقق " سازماندهی مسلح توده ای " و " تشکیل هسته های مسلح کارگری "

طرح ارزشیابی کار کارگران، حمله جدید سرمایه‌داران و وابسته

ضوابط ارزشیابی کارگران برای تعیین دستمزدا اعلام شد

ارزیابی و ارزشیابی قرار میدهد و به هر یک از عوامل نظیر میزان علاقه به کار، میزان تولید، احساس مسئولیت و مرتب بودن امتیازی تمسک میکند.

پس از جمع کردن امتیازها عددی که نتیجه است می‌آید ملاک و معیار افزایش دستمزد کارگر در آخر هر سال میباشد.

وی در پایان استاز ارزشیابی در طول سال در سه نوبت انجام میگیرد و در مجموع در آخر هر سال در حقوق میزان ۵ حقوق کارگر تأثیر میگذارد.

و متخصصین فن تهیه شده است و ظرف یک هفته دیگر به کارخانجات فرستاده میشود. وی افزود تا یک هفته دیگر نظرخواهی در مورد این طرح ادامه دارد با توجه به نظرات کارگران در طرح تغییرات جزئی داده میشود و همانگونه که گفته تا یک هفته دیگر به کارخانجات ابلاغ میگردد. وی در مورد چگونگی اجرای طرح ارزشیابی اظهار داشت: در هر کارخانه یک کمیته ارزشیابی با شرکت سرپرست مستقیم کارگران نماینده کارگران و نماینده مدیریت تشکیل میشود کمیته مذکور کیفیت کار کارگران را مورد

اظهار داشت: بموجب مادهای که تصویب شورای انقلاب اسلامی ایران رسیده است افزایش دستمزد کارگران بر مبنای ارزشیابی، کارائی کارو شایستگی کارگران انجام میگیرد این ارزشیابی در هر سال در سه نوبت انجام میگیرد و بوسیله آن کارائی کارگران سنجیده میشود و این سنجش در تعیین میزان افزایش دستمزد کارگران در آخر هر سال دخالت داده نمی‌شود. وی اضافه کرد طرح ارزشیابی در فروردین سال جاری با توجه به نظرات کارگران و شوراها و اسلامی کارخانجات

طرح قانونی ارزشیابی کار کارگران با توجه به نظرات کارگران و مراهای اسلامی کارخانجات و متخصصین تهیه شده و از تصویب شورای انقلاب گذشته و ظرف یک هفته آینده برای اجرا به کلیه کارخانجات ابلاغ میگردد بموجب این طرح از کار کارگران ارزشیابی بعمل می‌آید و بر اساس این ارزشیابی مزد کارگران افزایش می‌یابد. این مطلب توسط دکتر علی ستاری معاون وزیر کار و امور اجتماعی در یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار اقتصادی کیهان اعلام شد. دکتر ستاری پور در این مورد

روزنامه
کیهان
۵۹/۶/۹

طرح ارزشیابی کار کارگران از تصویب با اصطلاح " شورای انقلاب " گذشت. طبق این طرح در هر سال، سه نوبت کار کارگران با توجه به عوامل: " میزان علاقه به کار، میزان تولید، احساس مسئولیت و مرتب بودن " مورد ارزیابی قرار گرفته و به نسبت " امتیازی " که کارگر بدست می‌آورد، حقوق او در آخر سال افزایش می‌یابد.

همانطور که میدانیم سرمایه‌داران وابسته همواره میکوشند تا بطرق مختلف استثمار کارگران را شدت بخشیده و آخرین شیره‌های جان آنان را بکنند. اضافه کردن ساعات کار، سرعت بخشیدن به تولید، ایجاد رقابت بین کارگران، تعیین حقوق نه بر مبنای ساعات کار بلکه بر مبنای میزان تولید و همه و همه کوشش سرمایه‌داران در استثمار و حشیا نه‌تر کارگران است. به علاوه سرمایه‌داران کوشش می‌نمایند تا بطرق مختلف کارگران را " مطیع " نگاه داشته و جلوی مبارزات آنان را سد نماید. رایج‌ترین وسیله سرکوب کارگران توسط سرمایه‌داران، اخراج از کار و یا تقلیل حقوق کارگران است. در زمان شاه‌خائن، هنگامیکه آزمون - یکی از زیست‌ترین و منفورترین عناصر گرداننده خرچهای دولتی - وزیر کار بود توطئه حاکمیت و سرمایه‌داران وابسته بر علیه کارگران، بوجود آوردن سنا سنامه‌های کارگری بود که بدلیل پایان یافتن عمر حکومت شاه و دارودسته‌اش، این طرح خائنانه ضد کارگری ناکام ماند. اکنون حکومت جمهوری اسلامی با طرح ارزشیابی کار کارگران همان توطئه را با کمی تغییر بر علیه کارگران صورت داده است. " میزان علاقه به کار " و " میزان تولید " که ملاک تعیین حقوق کارگران قرار گرفته است چیزی جز شدت بخشیدن به استثمار کارگران نیست و " احساس مسئولیت و مرتب بودن " نیز بعنوان معیار دیگری برای تعیین حقوق کارگران در واقع چماق سرکوب سرمایه‌داران و وابسته بر علیه کارگران است. سرمایه‌داران بدین ترتیب میتوانند کوچکترین صدای حق طلبانه کارگران را با همین چماق پاسخ گفته و همواره کارگران را تهدید نمایند که در تعیین " امتیازاتی " که در نوبت ارزشیابی کار آنها قائل میشوند " امتیاز " !! کمتر و با نتیجه حقوق کمتری را به آنان پرداخت خواهند کرد. بدین ترتیب حکومت جمهوری اسلامی طرحی را که در دوره وراثت آزمون ناتمام مانده بود، تمام کرد و در این راه از تمامی شوراها و فرمایشی کارگری نیز مدد گرفت و شورای انقلاب نیز با تصویب این طرح، ماهیت ضد کارگری خود را نشان داد.

مرگ بر سرمایه‌داران وابسته

جنایت ، سلب مسئولیت وی تا حدودی قابل پذیرش است ولی آقای بنی صدر دیگر در چنین موقعیتی قرار ندارد و تمام مسئولیتهای بالا بگردن او هم هست . پس چرا او هم چه در زمانی که شخصاً از " سد لار" بازدید میکرد و چه بعد از آن قدمی در راه حل مشکلات کارگران برنداشت ؟

هنگامیکه بنی صدر آمد ، کارگران مسائل خود را با او در میان گذاشتند . مثلاً آنها در مورد بیمه با بنی صدر گفتگو و نسبت بقوانین آن اعتراض کردند . لازم به یاد آوریم که کارگران سد لار تا وقتی مشغول انجام کارهای شرکت هستند بیمه اند و وقتی ساعات کار به پایان میرسد دیگر تا شروع نوبت بعدی کار ، بیمه نیستند !! با توجه به فشارهای جسمی و روحی که کارهای شاق ساختمانی و همچنین سایر کارها - آنهم در شرایطی که شرکت در " سد لار " فراهم آورده - بر کارگران وارد می نماید پیداست که آنان از سلامتی اعتماد آمیزی برخوردار نیستند و علاوه بر آنکه ضعیف شدن تدریجی شان در محیط کار زمینه را برای ابتلای آنان بانواع بیماریها آماده میکند ، کمی افزایش فشار نیز (که میتواند از هرنوعی حتی از مثلاً تغییر ناگهانی اوضاع جوی باشد) ممکنست آنها را زمین گیر کند و اگر بنا باشد مخارج مربوط بمداوای این کارگران تحت این عنوان که ناشی از سوانح و لطایف زمان کار نیست بگردن خود کارگران بیفتد پیداست که چه تاء شیری مغربی بر زندگی آنها میتواند بینهد .

کارگران سپس در مورد موضوعات مختلف دیگر با بنی صدر بصحبت پرداختند و حتی وارد گفتگوهای سیاسی شدند . از جمله یک کارگر کرد به بنی صدر گفت : من یک کرد بی طرف هستم ، شما چرا در کردستان کشت و کشتار میکنید ؟ بنی صدر پاسخ داد : مادر آنها گروههای سیاسی مسلح غیر مجاز را سرکوب میکنیم ولی کارگر کرد در جواب گفت : نه ، من خودم بچه کردستان هستم ، آنها همگی از زن و مرد و بچه و پسر همگی مسلح اند و شما با زور خودتان مردم را سرکوب میکنید .

پس از این جریانها یکی از کارگران که در رژیم شاهنشاهی بعطت سربازدن از شرکت در یک راهپیمایی فرمایشی بنفع رژیم در قم ، کار خویش را که عبارت بود از دانشدگی در یکی از دوایر خدماتی تابعه دولت از دست داد و اکنون در سد لار بکار اشتغال دارد ، بدرخواست و تشویق کارگران دیگر ، نامه های نوشت و در آن خواسته های اولیه کارگران شامل اضافه دستمزد ، بیمه ، نصف حقوق * و غیره را قید کرد و در اختیار کارگران قرار داد . اکثریت کارگران زیرنامه را امضاء کردند و چهار نفر از آنان نامه را به نزد بنی صدر بردند . اما بخواسته های کارگران ترتیباً داده نشد . آنگاه کارگران مجدداً نامه های به کمیته مرکزی تهران و همچنین نامه های به شورای کارگران تهران نوشتند و در آن بر این نکته تاءکید کردند که اعضای شورا ، نمایندگان واقعی کارگران نمی باشند . پس از مدتی شورای نمایندگان تهران پاسخ داد که نماینده ها باید تا یکسال در سمت خود باقی بمانند و پس از آن میتوان آنان را تعویض کرد ! با توجه به آنکه بعطت شرایط کاری و زیستی کارگران ، بخش عظیمی از وظیفه پیگیری برای دستیابی به اهداف حق طلبانه شان بگردن نمایندگان واقعی آنان که باید از کارگران آگاه و دلسوز و مسئول باشند ، میباشد ، این حکم شورای کارگران تهران بمعنی آنستکه کارگران تا یکسال پس از اشکال مبارزات خود را که در وضعیت فعلی میسر و موه شر است متوقف نمایند !!

اعضای شورای کذابی چشم دیدن کارگران فعال را ندارند اما در حال حاضر نمیتوانند بیش از حد معینی باین کارگران آزار برسانند زیرا اینها در دل سایر کارگران که حداقل از روی غریزه طبقاتی مواضع کارگران فعال انقلابی و مبارز را در جهت پرورش زمینه های عدالت اجتماعی تشخیص میدهند ، جای دارند و درست بدلیل همین همبستگی ناشی از روحیه مبارزاتی فعالین ، توطئه های شرکت و عواملش در قبال اینگونه کارگران فعلاً نمیتواند چندان موه شر باشد .

روز جمعه ۵۹/۵/۱۷ کمیته " سد لار " کارگری را که به تقاضای سایر کارگران خواسته های آنان را تنظیم کرده و ضمناً در تسلیم نامه تنظیم شده به مراجع مسئول با چند کارگر دیگر همکاری داشت ، احضار نمود .

این کارگر در کمیته در جلسه ای با حضور دو فرد روحانی بنامهای طوسی و حسینی و نمایندگان و

(*) - در فصل زمستان که اوضاع جوی نامساعد است و امکان ادامه کار در تمام بخشها وجود ندارد ، هرساله تعدادی از کارگران از کار اخراج شده و تعداد باقی مانده با نصف حقوق در استخدام شرکت باقی می ماند .

شما پشت سر او باین کارگر همان فحش بالا را دادید، چرا ؟
 حسینی که میدید در صورت اعتراف به ارتکاب توهین نسبت به آن کارگر در جمع کارگران چگونگی قضا به
 تا حدودی روشن خواهد شد و کارگران به بوج بودن اتهامات انتسابی بیشتر بی خواهند برد. موضوع ر
 انکار کرد. میگویند در اسلام دروغگویی جزو گناهان کبیره است ولی لابد " وجدان " آقای حسینی
 راحت است که مرتکب چنین گناهی نشده زیرا که دروغ مصلحت آمیز گفته است !!؟

بهر حال کارگران اعلام کردند تا کارگر دستگیر شده آزاد نشود ما سرکار باز نخواهیم گشت .
 ساعت ۸ ¼ بود که کارگر دستگیر شده را آوردند. کارگران با شور و جبه تمام تر بمنظور نشان دادن هم-
 بستگی خویش که اساسی ترین عامل رهایی دوستان از قید اسارت بود بدادن شعارهایی درحما بستند
 از وی برداختند .

کارگر دستگیر شده رو بکارگران کرده گفت : شما همگی بروید سرکار، من هم می آیم . حال حساب من بسا
 نمایندگان باید روشن شود .

کارگران همگی شادمان از اینکه با اتحاد مبارزاتیشان مانع از پاشیدن زندگی یکی از دوستان خسو-
 گشته اند با وجدان سرافراز سرکار خود رفتند و هر دو با چند نفر و باحتی به تنهایی ، با اظهار نظر
 درباره اقدام انقلابی خود، جمع بندی رویدادها و گفتگوهای بین خود و مدافعین شرکت در جریان این-
 حرکت ، تفکر درباره قدرت جمعی خود و تعمیق درباره شیوه بکارگرفته شده و نمره به سرور
 مبارزاتی خویش را مزمزه میکردند .

کارگران میدانستند که اگر آنروز خانعلی که یکی از سرکارگران است سرکار خود حاضر می بود، بی
 تردید دست به اخلاص در مبارزه کارگران و اعتصاب شکنی میزد. نا مبرده که از عوامل شرکت و فور-
 دستگای سنگین میباشد به علت مریضی غایب بود و در نتیجه ده راننده ترکی که در صورت حضور وی ممکن
 بود تحت تاثر شبر احساسات ناسیونالیستی کور و انحرافی (خانعلی نیز ترک است) نا آگاهانه صف
 یکپارچه کارگران را بهم بزنند و موجبات شکست مبارزه را فراهم آوردند توانستند با درک منافع
 کارگران اعتصابی موضع آنها را اتخاذ کنند و همین اتحاد بود که بالاخره نتیجه مثبت بسیار آورد .
 بنابراین کارگران با تجربه تر که اهمیت نتایج ارزشمند این حرکت را بخصوص از نظر نقش آگاهگران
 و سازنده ای که برای کارگرانی از زمره ترکهای یاد شده، به همراه داشت درک میکردند، میباشد در طول
 و پس از این حرکت فعالانه در نزد اینگونه کارگران - خصوصا " به افشای ماهیت واقعی عوامل شرکت
 به پردازند تا آنچه در آینده محرک کارگران برای اتخاذ یک موضع خواهد بود منافع طبقاتی آنان باشد
 نه فی المثل احساسات ناسیونالیستی منحرف . واضحست که کارگران با تجربه تر میباشد بر شدت کوشش -
 های خود برای روشن کردن رابطه بین استعمار و بردگی طبقاتی کارگران از یکسو و مبارزات یکپارچه -
 شان از سوی دیگر بیفزایند و راه و چاه دستیابی به آرمانهای کارگری را با تا کید بیشتری با نسا-
 بیا موزند زیرا در فضایی که از مبارزه یکپارچه کارگران ، سیاسی شده است ، کارگران با سرعت
 بیشتری واقعیات را درک میکنند و با تمایل بیشتری به مبارزه برای دستیابی به اهداف انقلابی خسو-
 می اندیشند . همچنین کارگران با تجربه تر باید بسا پیرین بسا موزند که در هر حرکت انقلابی کنست-
 اقدامات و سمت دادن بحركات باید در دست کارگرانی باشد که بدلیل داشتن رابطه زنده با سا-
 کارگران و جاسعه و بدلیل متکی بودن بر عملت سازشنا پذیری که از جوهر پرولتری آنان ناشی میشود
 قادرند بهترین تصمیمات را بگیرند .

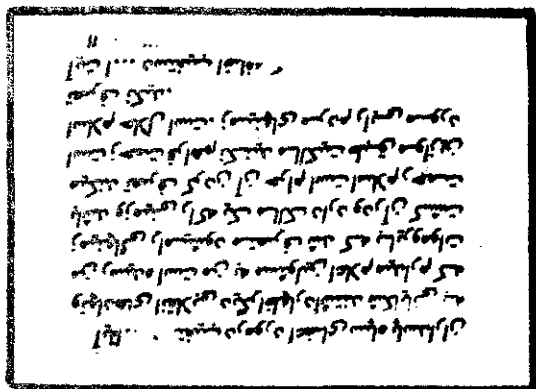
برخی از شعارهایی که کارگران " سد لار " در حین اعتصاب میدادند بدین قرارند :

درود بر کارگر - درود بر زحمتکش

درود بر کارگر شیفت ما - مبارز دلیر و سرسخت ما

اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد

روزی ۷۱ صفحه است
روزنامه جمهوری اسلامی



و اما ...

... و اما ... جمهوری اسلامی ...

سب از برای آزادی است



... و اما ... آزادی ...

یکی از کشاورزان گفت: مگر چه عیبی دارد؟ مگر اسلام از "مردمی" وحشت دارد؟ باری، زحمتکشان روستا اعلام کردند ما شب‌بخانه نمی‌رویم مگر اینکه زندانیان ما آزاد شوند. که بر سر همین موضوع بین اهالی و پاسداران مسزودور یک درگیری بوقوع پیوست.

شب همانروز حدود ساعت ۹ پاسداران به روستا حمله کردند زیرا زن و مرد فسادکار به دادگاه رجوع کرده و به مسئولین گفته بودند که اگر ما امشب به حاجی کلا برویم، اهالی ما را خواهند کشت. پاسداران آمده بودند تا مردم را بترسانند اما در آنجا با روحیه شجاع مردم که یکپارچه در مقابل آنسان ایستادند مواجه شدند. آنها بشلیک تیرهای هوایی پرداختند تا مردم را بترسانند. ما زنده ماندیم به هدف خود نرسیدند. بالاخره وقتی مسزودوران اوضاع را بحال خود مساعد نیافتند، بابلندگو از اهالی خواهش کردند که در مسجد اجتماع نمایند تا با هم بگفتگو بپردازند.

همینکه اهالی در مسجد اجتماع کردند یکی از آنان شدیداً به پاسداران اعتراض نمود که چرا از بالای عمار بدرون خانه اوربختند. پاسداران گفتند: ما دستور داشتیم. این اجتماع بدون نتیجه خاتمه یافت.

صبح روز بعد اهالی از پیر و جوان مجدداً به "دادگاه انقلاب" رفتند. پاسداران وقتی جمعیت را دیدند وحشت زده شدند و گفتند: اهالی حاجی کلا! ما به شما اخطار میکنیم تا ۵ دقیقه دیگر بایستد. محوطه دادگاه را ترک کنید، در غیر این صورت شدت عمل بخرج خواهیم داد.

یکی از کشاورزان گفت: آخر کدام اسلامی این را گفته، یعنی ما ۵۰ نفر همه دروغ میگوئیم، این زن و مرد زناکار راست میگویند؟ شما چرا فسادکاران را نمی‌گیرید؟ یعنی کمونیست از فسادکار بدتر است؟ کدام اسلام این را گفت؟

یکی از پاسداران جلو آمد و به این کشاورز گفت: چرا مردم را تحریک میکنی، بیای برویم توتا شو را شلاق بزنیم!! پاسداران میخواستند این فرد را بدرون ساختمان ببرند که اهالی دستجمعی بدفاع از او برخاستند و با پاسداران درگیر شدند و هرطور بود مانع از بردن آن کشاورز شدند.

یکی از پاسداران گفت: با ردیگر شما ۵ دقیقه فرصت میدهیم، اگر نروید شمارا به رکیار میبندیم. اهالی که میدانستند رمز موفقیتشان در اتحادشان خواهد بود حاضر نشدند اسرای خود را بحال خود بگذارند و در همان محوطه "دادگاه انقلاب"

بابی: روستای حاجی کلا - لاله آباد

بدنبال انتشار خبر زناکاری یک زن شوهر دار با یک مرد متاهل، اهالی روستا در داخل مسجد روستا دادگاهی برای رسیدگی بموضوع تشکیل دادند. در جریان دادگاه صحت خبر فوق تأیید شد و مردم تصمیم گرفتند برای تنبیه فسادکاران آنها را شلاق بزنند.

صبح روزی که قرار بود حکم اجرا شود برادر مسزودور زناکار به "دادگاه انقلاب اسلامی" مراجعه می‌نماید و میگوید که اهالی روستا دادگاه اسلامی را قبول ندارند و خودشان میخواهند امروز ساعت ۱۱ برادر مرا شلاق بزنند. آنها کمونیست هستند زیرا دادگاه خلقی تشکیل دادند.

بدنبال این موضوع پاسداران مسزودور به روستا ریختند و چند نفر را دستگیر کردند. یکی از دستگیر شدگان کسی بود که بر بالای ورقه صورتجلسه دادگاه نوشته بود "دادگاه مردمی". یکی دیگر بکنفر کشاورز بود و سومی هم یکی از جوانانی بود که مسزودوران در خانه وی عکس خسرو گلرخی را پنهان کرده بودند.

مردم از تعجب مات ماندند. چرا این افراد را گرفتند و زن و مرد فسادکار را بحال خود گذاشتند طوری که آنها دارند راست راست توی محل میگردنند؟ زحمتکشان روستا کارهای مربوط به محصول (برنج) را رها کردند و دستجمعی به "دادگاه" رفتند تا ببینند موضوع از چه قرار است. در آنجا به آنها قول دادند که افراد بازداشت شده محاکمه و سپس آزاد خواهند شد.

روز دوشنبه ۵۹/۶/۵ محاکمه شروع شد. سیفی سرپرست دایره "مبارزه با منکرات" بایستل در دادگاه اعلام کرد: نویسنده عنوان صورتجلسه به ۵۰ ضربه شلاق و ۶ ماه حبس تا ۵ دینی محکوم میگردد (!). و دونفر دیگر به تشخیص دادگاه غیر کمونیست هستند و بزودی آزاد خواهند شدند. در مورد زن و مرد فسادکار گفته شد که آنان تبرئه شده‌اند و هیچکس حق ندارد "تهمتی" بآنان نسبت دهد و اگر کسی بروی آنان دست دراز کند دستگیر خواهد شد!

شگفتی اهالی روستا دیگر حدی نداشت. آنان به سیفی گفتند: از آنجائیکه در دادگاه ماهه مردم بودیم که شرکت داشتیم، بالای ورقه نوشتیم دادگاه مردمی.

سیفی گفت: این "دادگاه خلقی" که بسالای صورتجلسه نوشته شده بود فدا اسلامی هست شما می‌بایست بنویسید دادگاه اسلامی

מכתב השר למועצה הלאומית

השר לביטחון המזון והבריאות, מכתב למועצה הלאומית, תש"ח. המכתב מפרט על המצב הכלכלי והבריאותי של האוכלוסיה בישראל, ודורש תמיכה ממשלתית ומועצתית במאמצים להגנה על המזון ובריאות הציבור.

השר לביטחון המזון והבריאות, מכתב למועצה הלאומית, תש"ח. המכתב מפרט על המצב הכלכלי והבריאותי של האוכלוסיה בישראל, ודורש תמיכה ממשלתית ומועצתית במאמצים להגנה על המזון ובריאות הציבור.



השר לביטחון המזון והבריאות, מכתב למועצה הלאומית, תש"ח. המכתב מפרט על המצב הכלכלי והבריאותי של האוכלוסיה בישראל, ודורש תמיכה ממשלתית ומועצתית במאמצים להגנה על המזון ובריאות הציבור.

השר לביטחון המזון והבריאות, מכתב למועצה הלאומית, תש"ח. המכתב מפרט על המצב הכלכלי והבריאותי של האוכלוסיה בישראל, ודורש תמיכה ממשלתית ומועצתית במאמצים להגנה על המזון ובריאות הציבור.

השר לביטחון המזון והבריאות, מכתב למועצה הלאומית, תש"ח. המכתב מפרט על המצב הכלכלי והבריאותי של האוכלוסיה בישראל, ודורש תמיכה ממשלתית ומועצתית במאמצים להגנה על המזון ובריאות הציבור.



השר לביטחון המזון והבריאות, מכתב למועצה הלאומית, תש"ח. המכתב מפרט על המצב הכלכלי והבריאותי של האוכלוסיה בישראל, ודורש תמיכה ממשלתית ומועצתית במאמצים להגנה על המזון ובריאות הציבור.

رادر ملا عام بنمایش میگذارند.



پیرامون حمله مزدوران ارتجاع به گلوگاه

همانطور که در خبرنامه شماره ۲۲ آمده بود عده‌ای چماقدار که از بهشهر و دوروستای بندرگز بسیج شده بودند در گلوگاه دست به آشوب زدند اما این حمله آنچنان مورد نفرت مردم گلوگاه واقع شده است که شعبه حزب فراگیر جمهوری اسلامی بناچار طی اعلامیه‌ای به این عمل چماقداران اعتراض کرده است!!

هرکس بیانه حزب جمهوری اسلامی گلوگاه را بخواند و با اوضاع و احوال گلوگاه آشنا نباشد ممکنست نتیجه بگیرد در حزب انشعابی رخ داده و بعضی از اعضاء با سیاستهای حزب موافق نیستند! زیرا در آن خود چماقداران حزب مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. به این جملات که از بیانیه نقل می‌شوند توجه کنید:

" روز جمعه عده‌ای از مردم (!) گلوگاه و غیر گلوگاهی، پس از استماع سخنرانی آقای متکسبی در قریه هشتتیکه هنگام مراجعت بصورت راهپیمایی وارد گلوگاه شده و در راه اعمال خلافی از آنها سرزد که ما این اعمال را از ملت آگاه گلوگاه نمی دانیم "

اصل موضوع اینجاست که در گلوگاه بخاطر شرایط محیطی و اجتماعی مردم بسیار بیکدیگر نزدیکند و حتی تا حدودی زندگی جمعی بینشان رایج است. بنا بر این آزار یک فرد یا یک خانواده مبارز یا انقلابی در گلوگاه بمعنی تجاوز به حریم زندگی و آزادی تمام مردم گلوگاه است و سردمداران حزبی باین امر واقفند. لذا برای آنکه طشت رسوائیشان بیش از این بعدا در نیابد پیشدستی کردند و خود کسانی را که بدون توجه به خصوصیات شهر گلوگاه از روی همان مدلی که در شهرهای دیگر پیاده میشد دست بسرکوب زدند، مورد حمله قرار دادند زیرا بنظر آنها " راه صحیح مبارزه " در گلوگاه، سرکوب مردم بشیوه دیگری است. بیانیه میگوید:

" ما این اعمال را از حضور افشادی دانسته که آگاه به موقعیت گلوگاه نبوده و شدت آنرا محکوم میکنیم. و به ملت مسلمان و

همیشه درستگر گلوگاه (بخوانید مزدوران ارتجاع هتدار می‌دهیم که مواظب باشند تا افراد ناآگاه به مسائل (بخوانید مزدوران وارداتی) موجبات انحراف آنها را از مسیر صحیح مبارزه فراهم نسازند. " (!!) (تاء کیده‌ها از ماست)

پس باید منتظر بود مزدوران ارتجاع در گلوگاه تحت عنوان " مسیر صحیح مبارزه " دست به جنایات جدیدی با سبک متفاوت بزنند.



پنجم سو: روز شنبه ۵۹/۶/۱۵ خلخالی بسا دارودسته مسلح خود به رضوانشهر (دره ۲۰ کیلومتری بندرانزلی) رفته، به ایراد سخنرانی پرداخت و سپس به طرف پره سر (در ۲۵ کیلومتری - بندرانزلی) برآه افتاد. حدود ساعت یک بعد از ظهر به پره سر رسید. چند ماشینی با سدار که در پیشاپیش خلخالی حرکت میکردند به هر شهر و بخش و آبادی که می رسیدند به پوسترها، نمایشگاهها و حمله میکردند و همه چیز را درهم میریختند. در پره سر نیز پیش قراولان خلخالی به نمایشگاه هوا داران سازمان مجاهدین حمله کردند و به پاره کردن پوسترها پرداختند که با اعتراض برگزارکنندگان نمایشگاه روبرو شدند. پاسداران که گوتی میخواهند بچه را از لولو بترسانند گفتند که: " خلخالی داردمی - آید ". برگزارکنندگان نمایشگاه هم در پاسخی گفتند خوب بیاید، این چه ربطی به نمایشگاه دارد؟ پس از آن درگیری آغاز شد و پاسداران بسا مشت و لگد و شلیک رگبارهای هوایی به همه حمله کردند. در این زمان خلخالی سر رسید و دستور حمله وسیعتر را صادر کرد. پاسداران شروع به تیراندازی به سوی مردم کردند. پیرزنی در اثر حمله پاسداران خلخالی سخته کرد و مرد. بکنفرعاً بر نیز تیر خورد که هنوز از وضعیت او اطلاعی نداریم. یکی از هوا داران مجاهدین شدیداً مضروب شد و چهار نفر از هوا داران این سازمان نیز توسط پاسداران خلخالی دستگیر شدند.



چند خبر از بابل

۱ - روز چهارشنبه ۵۹/۶/۵ دوشن از کارآموزان ساری بنمایندگی از جانب سایر کارآموزان که قبلاً متحصن بودند به بابل آمدند و از کارآموزان بابل

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

* * *

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰



کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

کتابخانه ملی ایران
شماره ثبت: ۴۰۰

سخنمی دیگر با مردم فریدونکنار

مادرخبرنامه شماره ۲۲ گزارشی از درگیریهای مردم فریدونکنار راجع کردیم . اکنون میخواهیم به اهالی زحمتکشی که ندانسته وارد جنگ خانگی بایکدیگر شدند نشان دهیم که اگر آنها نیز تابع حال میشوند بصد ماهی در دریا و یا شکار مرغابی در مردابها بپردازند اساساً " بدلیل اتحادی بود که مردم برای آوناه کردن دست غارتگران منابع طبیعی متعلق به خلق سبن خود برقرار کرده با این اتحاد و یکپارچگی در برابر راهزنان و حیا و لکران حکومتی و وابستگان نشان و مدافعین آنان ایستاده بودند .

بطوریکه در اسناد مقابل مشاهده میکنید " سازمان حفاظت محیط زیست " که برای سرازیر کردن منافع حاصله از ثروتهای طبیعی اس آب و خاک بحیب غارتگران خارجی و حیره - حواریان داخلیشان دلالتی میکند . از مدتها پیش شکار حیوانات را برای مردم ممنوع اعلام کرده بود . ارگانهای سرکوب رژیم نیز بارها تلاش کردند تا مانع از استناد مردم از ثروت های طبیعی گردند و حتی برای محروم کردن سوده ها از منافع حقه خود دست به کشتن آنان زدند . نمونه هایش را در بندر - انزلی ، نوشهر و دیدیم . پس چه عاملی باعث میشود که مردم همچنان بقیه در صفحه ۱۲



سخت وزیری
سازمان حفاظت محیط زیست

بنام خدا

کلیه واحدهای خارج از مرکز

بدینوسیله رونوشت نامه شماره ۹۲۴۴-۲/۴/۴-۲۳۱۲۴ مورخ ۸/۱۰/۱۳۰۵ وزارت کشور - رهن بر همکاری در جلوگیری از شکار غیرمجاز و همچنین فتوایی نامه شماره ۲/۴/۱۹-۱۰/۱۳۰۵ مورخ ۹/۲/۲۱ ه زانداربری جمهوری اسلامی ایران در مورد فوق الذکر جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم ارسال میگردد .

محمد واحدی
معاون امور محیط طبیعی

۲۱-۲۲/۱-۲۴۱

مورخ ۹/۲/۲۸

شماره ۲۳۱۲۴/۴/۴۴/۹۲۴۴

تاریخ ۸/۱۰/۱۳

وزارت کشور

سلام محترم وزارت کشاورزی و منابع طبیعی

موضوع : همکاری در جلوگیری از شکار غیرمجاز

برابر گزارش رسیده شکارچیان و یا افراد محلی بطور غیرمجاز و غیرانسانی اقدام به شکار حیوانات میکنند . خواهشمند است دستور فرمائید در این مورد بررسی و با همکاری زاندارسری اقدامات لازم در سراسر کشور بعمل آید ضمناً طی همین شماره به زانداربری جمهوری اسلامی ایران نیز ابلاغ گردید نهایت همکاری را با ادارات و مأمورین محلی معلول بعمل آورند .

اکبر هاشمی رفسنجانی

سرپرست وزارت کشور

گرفته :

فرمانده هیئت زانداربری جمهوری اسلامی . خواهشمند است به کلیه پاسگاههای سراسر کشور ابلاغ

نمایند تا با مأمورین محلی همکاری را بنمایند .

تاریخ : ۸/۱۰/۱۳۰۵

شماره : ۲۳۱۲۴/۴/۴۴/۹۲۴۴

رجیست :

- کلیه واحدهای تابعه جهت اطلاع و اقدام . گ

نعمت اله فرید روحانی
سرپرست اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان

دست آمیز ریالی - - - - - زخم و جیه - - - - - ره خواران داخلش از
منابع طبیعی کش - - - - - ورم - - - - - ما کوتاه بساد !

אם נסתכל על התנאים האלו נראה כי הם אינם תנאים פורמליים אלא תנאים אמפיריים. כלומר, הם תנאים שניתן לבדוקם באמצעות ניסוי או תצפית. לדוגמה, תנאי (1) הוא תנאי אמפירי כי ניתן לבדוק האם התנאי מתקיים או לא באמצעות תצפית ישירה או ניסוי. תנאי (2) הוא גם תנאי אמפירי כי ניתן לבדוק האם התנאי מתקיים באופן שיש בו כדי להצדיק את הטענה באמצעות ניסוי או תצפית.

עם זאת, יש לשים לב לכך שישנם תנאים שאינם אמפיריים. לדוגמה, תנאי (3) הוא תנאי לוגי כי ניתן לבדוק האם התנאי מתקיים באופן שיש בו כדי להצדיק את הטענה באמצעות ניסוי או תצפית. תנאי (4) הוא גם תנאי לוגי כי ניתן לבדוק האם התנאי מתקיים באופן שיש בו כדי להצדיק את הטענה באמצעות ניסוי או תצפית.

לפיכך, ניתן לומר כי תנאי הצדקה הם תנאים אמפיריים ולוגיים. תנאים אמפיריים הם תנאים שניתן לבדוקם באמצעות ניסוי או תצפית. תנאים לוגיים הם תנאים שניתן לבדוקם באמצעות ניסוי או תצפית.

אם נסתכל על התנאים האלו נראה כי הם אינם תנאים פורמליים אלא תנאים אמפיריים. כלומר, הם תנאים שניתן לבדוקם באמצעות ניסוי או תצפית. לדוגמה, תנאי (1) הוא תנאי אמפירי כי ניתן לבדוק האם התנאי מתקיים או לא באמצעות תצפית ישירה או ניסוי. תנאי (2) הוא גם תנאי אמפירי כי ניתן לבדוק האם התנאי מתקיים באופן שיש בו כדי להצדיק את הטענה באמצעות ניסוי או תצפית.

לפיכך, ניתן לומר כי תנאי הצדקה הם תנאים אמפיריים ולוגיים. תנאים אמפיריים הם תנאים שניתן לבדוקם באמצעות ניסוי או תצפית. תנאים לוגיים הם תנאים שניתן לבדוקם באמצעות ניסוי או תצפית.

אם נסתכל על התנאים האלו נראה כי הם אינם תנאים פורמליים אלא תנאים אמפיריים. כלומר, הם תנאים שניתן לבדוקם באמצעות ניסוי או תצפית. לדוגמה, תנאי (1) הוא תנאי אמפירי כי ניתן לבדוק האם התנאי מתקיים או לא באמצעות תצפית ישירה או ניסוי. תנאי (2) הוא גם תנאי אמפירי כי ניתן לבדוק האם התנאי מתקיים באופן שיש בו כדי להצדיק את הטענה באמצעות ניסוי או תצפית.

לפיכך, ניתן לומר כי תנאי הצדקה הם תנאים אמפיריים ולוגיים. תנאים אמפיריים הם תנאים שניתן לבדוקם באמצעות ניסוי או תצפית. תנאים לוגיים הם תנאים שניתן לבדוקם באמצעות ניסוי או תצפית.

אם נסתכל על התנאים האלו נראה כי הם אינם תנאים פורמליים אלא תנאים אמפיריים. כלומר, הם תנאים שניתן לבדוקם באמצעות ניסוי או תצפית. לדוגמה, תנאי (1) הוא תנאי אמפירי כי ניתן לבדוק האם התנאי מתקיים או לא באמצעות תצפית ישירה או ניסוי. תנאי (2) הוא גם תנאי אמפירי כי ניתן לבדוק האם התנאי מתקיים באופן שיש בו כדי להצדיק את הטענה באמצעות ניסוי או תצפית.

(*) - שם אנו רואים כי תנאי הצדקה הם: 1. שהתנאי יתקיים. 2. שהתנאי יתקיים באופן שיש בו כדי להצדיק את הטענה.

از ذهن این نیروهای و انداختن انرژی انقلابی آنها ب مسیر درست مبارزه لازم باشد. اگر اینطور شود، این ضایعه‌ای خواهد بود که بخشی عظیمی از آن بدلیل کمبود و محدودیت امکانات ما گریبانگیر جنبش میشود و الا ما برای ایفای نقش خود شایستگی های یک چریک فدایی را که تجسم پیشاهنگ در انقلاب خونین ماست سرمشق خود قرار داده ایم و به پیروی از سنت " سخت کوشی " که میراث گذشته سرشار از کار انقلابی و بی وقفه رفقای شهیدمان است، با هر آنچه در توان داریم مشغول جنگ با مشکلات هستیم و امیدواریم شما در آینده نزدیکی شمره بخشی از این کوششها را که ضمناً یکی از موارد درخواستی شما بود ببینید.

سایر مواردی که شما در نامه بدان اشاره کردید به مشکلاتی باز میگردد که باید در فرصتهای مناسب و با اشکال مقتضی مورد گفتگو قرار گیرند.

پسروز و موفق باشید.



دنیساله سومقاله سخنی بارفقای هوادار دریساره " سازماندهی محله ای " ازصفحه ۳

که مردم محل هوادار جریان ما باشند. آنها در ابتدا باید نظرات رفقای هواداری را که در این محله به کار سیاسی پرداخته اند بپذیرند که این نظرات در واقع چیزی جز نظرات چریکهای فدایی خلق نیست. مردم محل باید در جریان ارتباط مداومی که با رفقای هوادار ما پیدا میکنند و در جریان بحثها، رفقای ما را بعنوان اشخاصی که بهترین نظرات را دارند و بهترین راه حلها را ارائه میکنند بشناسند و آنگاه است که به اعتبار این نظرات و شخصیت رفقای هوادار، راه و نقطه نظرهای چریکهای فدایی خلق نیز در دل مردم محل جا باز خواهد کرد. نتیجه کار آن خواهد بود که مردمی که حتی در زمینه مسائل ایدئولوژیک عقاید خاص خود را دارند هواداران مدیق و پروپاقرص چریکهای فدایی خلق خواهند بود. رفقای هوادار ما باید در بحث با مردم محل با صبر و حوصله نظرات آنان را بشنوند، نظرات غلط آنها را با دقت و زبانی ساده شکافته و نظرات درست خود را تبلیغ نمایند. برای بحث با مردم در عین حال ارتباط فردی میتوان بحثهای جمعی برآه انداخت. برای برآه انداختن بحثهای جمعی میتوان ابتدا اینکار را در میان جوانان محله رایج کرد. بتدریج مردم نسبت به آن توجه کرده و علاقمند میشوند و در بحثها فعالانه شرکت خواهند کرد. رعایت اخلاق انقلابی در جریان بحثها در جذب مردم بسیار مؤثر است.

برای پخش اعلامیه ها و تراکتها و خبرنامه باید مسئولینی تعیین شوند که بطور مرتب با اینکار مبادرت کنند. انتخاب شیوه چگونگی پخش، دقیقاً " متناسب با اوضاع تعیین میشود و اگر لازم بود میتوان آنها را سفیدانه پخش کرد. اما رفقا باید توجه کنند که در ارتباطی که برقرار می کنند، هرگاه این ارتباط به سطح معینی از رشد خود، که موجب جلب اعتماد طرفین میشود، رسید باید مرتباً " اعلامیه ها و تراکتها و خبرنامه و کتب ما را مستقیماً " به آن شخص یا اشخاص بدهند. رفقای دختر میتوانند بسرعت و سهولت ارتباط خود را به این سطح برسانند. آنها باید با زنان و دختران هر خانه دوست شده و با آنها به گفتگو بنشینند و اگر زن خانه سواد نداشته برای او اعلامیه و خبرنامه بخوانند و مسائل را توضیح دهند. نتیجه کار رفقای دختر در این زمینه با سرعت بیشتری آشکار خواهد شد.

برای نصب اعلامیه ها، پوسترها، دیوارکوب، خبرنامه رفقای مسئولی را تعیین کرده و محلها یا معینی را در محله در نظر بگیرید و دائماً آنها را نصب نمایید. کوشش کنید که این محلها ثابت باشند و تنه زمانی به تغییر مکان آنها مبادرت کنید که عناصر ارتجاعی، آن مکان را شناخته و برای نصب اعلامیه ها و پوسترها و..... ایجاد اشکال میکنند. در ضمن اگر شرایط اجازه میداد، در محله معینی بساط کتابفروشی دایر کنید و در همانجا نمایشگاههای ترتیب دهید. اگر برای محلاتی اکنسوز این امکان وجود نداشته باشد، در زمانی که رفقا ارتباطات گسترده ای با مردم محل برقرار کنند، این امکان برای آنها فراهم خواهد شد. زیرا در آن هنگام مردم محل از بساط کتابفروشی آنها بساط جنگ و دندان دفاع خواهند کرد و اگر یورش حاکمیت به بساط کتابفروشی آنان حتی منجر به توقیف کتابها و یا رفیق مسئول فروش و نشریات شود، این یورش تنها به افشای هر چه بیشتر حاکمیت منجر خواهد شد.

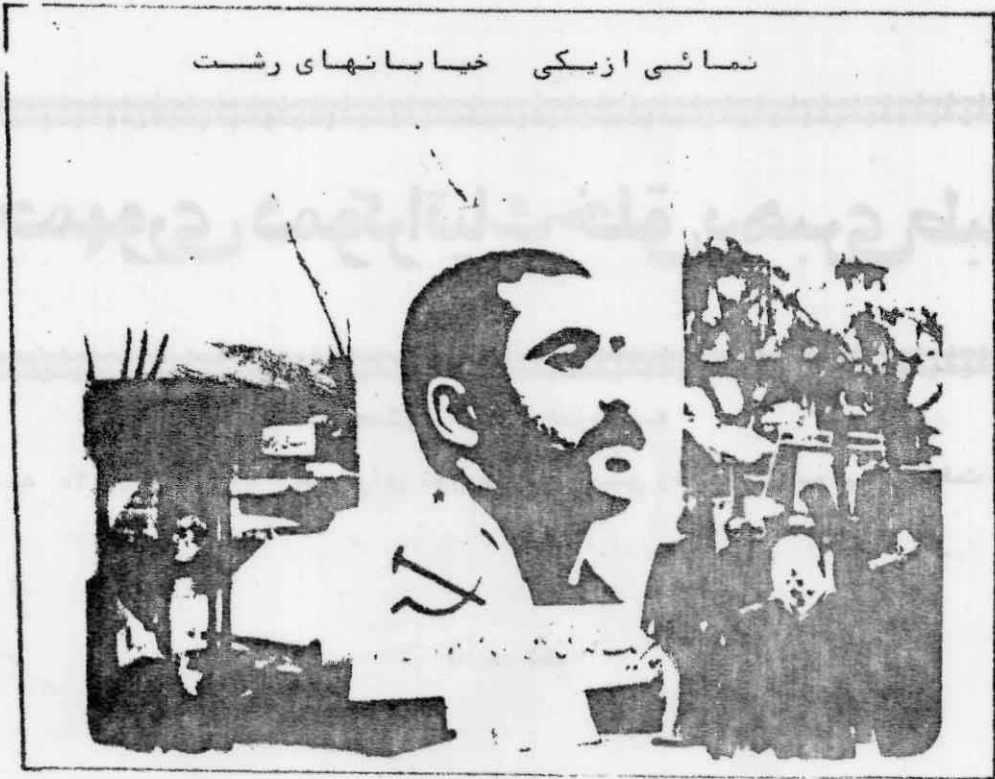
شکل پیچیده تر و عالی تر این نوع سازمان -
دهی در جریان جنگ سمنج و مقاومت
قهرمانانه مردم سمنج در مقابل ارتش
دشمن زور، به شکل بنک ۵۰۰ نفره تجلی شد

را با واقعیت های ملموس تجربه میکنند . طرح
این نکته در عین حال به رفقای هوادار نشان
میدهد که شخصیت آنان تا چه اندازه در امر
سازماندهی محله ای مؤثر و کارآمد است
و اخلاق انقلابی رفقا که به خلق عشق میورزند
و به دشمنان خلق کینه دارند و در این راه به
آنان یاری خواهد رساند .

اگر رفقای بتوانند به این مهم (سازماندهی
محله ای) دست یابند در آینده این سازماندهی
دائما " متحول شده و اشکال عالیتری بخود
گرفته و وظایف مردم پیچیده تری را بعهده

خواهد گرفت . اگر امروز در بسیاری از شهرها این شکل از سازماندهی در موارد محدودی مانند
مقاومت در برابر حمله جما قدرات حکومتی بکار می آید اما در آینده قطعا " وظایفی بمراتب پیچیده تر
و عالیتری را بعهده خواهد گرفت . شکل پیچیده تر و عالی تر این نوع سازماندهی در جریان جنگ سمنج
و مقاومت قهرمانانه مردم سمنج در مقابل ارتش دشمن زور، به شکل بنکها متجلی شد .
تجربه ما در باره این نحوه از سازماندهی محدود است . بنابراین رفقای هوادار خود در جریان عمل
و کار پیگیر و طولانی قطعا " به تجربیاتی دست خواهند یافت و راههای جدیدی را کشف خواهند کرد .
بنابراین رفقا نباید دید خود را در باره این نحوه از سازماندهی به آنچه که در این مقاله می آید
محدود سازند و با تکیه بر خلاقیت ها و ابتکارات خود ، تاکتیکهای جدیدی را در باره آن کشف کنند و
خصوصا " تجربیات نویسی را که بدست می آورند جزء به جزء به صورت گزارش به ما منتقل کنند تا ما نیز
بتوانیم این تجربیات را به تمامی رفقای هوادار که بکار سازمان دادن مردم محلات مشغولند منتقل
سازیم . بکوشیم تا با سازماندهی محله ای نیز گامی در جهت ارتباط با توده ، آگاه ساختن و بسیج -
نمودن آنها و مسلح کردن خلق برداریم .

* * * *



.....

.....

.....

.....

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

.....

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

.....